

Mediating Role of Neuroticism in the Relationship Between Romantic Attachment Styles and Mutual Relationships in Couples Referring to Divorce Centers

Eisapour Haftkhani M¹, *Dousti Y¹, Donyavi R²

Author Address

1. Department of Psychology, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran;
2. Department of Psychology, Neka Branch, Islamic Azad University, Neka, Iran.

*Corresponding author's email: Yarali.Dousti@yahoo.com

Received: 2019 October 23; Accepted: 2020 January 7

Abstract

Background & Objectives: Among various factors that threaten marriage, extramarital relationships have become of increasing interest to researchers. Extramarital relationships of any secret romantic or sexual activity suggest that it occurs while the individual is in a completely private relationship, like marriage. The relationships in the foregoing relationships were found that each of them could be influenced by personality traits. Anxiety and neuroticism were also among the personality traits identified with fear, anxiety, malice, despair, hostility, and loneliness. The present study aimed to investigate the mediating role of neuroticism in the relationship between romantic attachment styles and extramarital relationships among couples who are seeking a divorce. We used modeling respecting the relationships between the study variables.

Methods: This descriptive-correlational research employed a structural equation modeling. The statistical population of this study included all couples referring to divorce counseling centers in districts 1, 2, 3, and 4 in Tehran City, Iran, in 2019. Furthermore, according to the number of observed variables and the allocation of the coefficient of 20 per observed variable (13 variables observed in the model), 270 subjects were selected as the study sample by purposive sampling method. The inclusion criteria of the study included female gender, referring to districts 1, 2, 3, and 4 of Tehran, referring to divorce centers for counseling, being married, declaring consent to cooperate in the study, and not presenting biopsychological problems according to the study participants' self-report. The exclusion criterion of the study included providing incomplete questionnaires. Data collection tools were the Extramarital Relationships Questionnaire (Glass and Wright, 1992), Behavioral Systems Questionnaire-Revised (Farman & Wehner, 1999), and NEO Five-Factor Inventory-Revised (NEO-FFI) (McCurry and Costa, 1992). Mean and standard deviation indices were used to present the obtained descriptive statistics; for inferential statistics, the research data were analyzed using Pearson correlation coefficient and path analysis in SPSS and AMOS at a significance level of 0.05.

Results: Safe attachment styles ($\beta=-0.264$, $p<0.001$), distressed ($\beta=0.297$, $p<0.297$), and discrete ($\beta=0.191$, $p<0.001$), as well as neuroticism ($\beta=0.187$, $p<0.001$) provided a direct and significant effect on extramarital affairs. Furthermore, secure attachment styles ($\beta=-0.359$, $p<0.001$), disturbed ($\beta=0.331$, $p<0.001$), and discrete ($\beta=0.270$, $p<0.001$) with the mediating role of neuroticism presented an indirect and significant effect on extramarital relationships. The calculated good fit indices revealed that neuroticism mediated the relationship between romantic attachment styles and extramarital relationships in the explored couples seeking divorce counseling. Additionally, the model for measuring the research variables was suitable ($\chi^2/df= 2.748$, CFI=0.957, GFI=0.993, NFI=0.963, RMSEA=0.42).

Conclusion: Based on the current study findings concerning the mediating role of neuropsychology in the relationship between romantic attachment styles and extramarital relationships in couples seeking a divorce, psychologists and consultants should pay attention to personality traits to reduce divorce rates.

Keywords: Neuroticism, Extramarital relations, Divorce, Attachment styles.

نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه با روابط فرازنشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز جهت طلاق

مرضیه عیسی‌پور هفتخوانی^۱، * یارعلی دوستی^۲، رضا دنیوی^۳

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران؛

۲. دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران؛

۳. دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی، واحد نکا، دانشگاه آزاد اسلامی، نکا، ایران.

* یارنامه نویسنده مسئول: Yarali.Dousti@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱ آبان ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۷ دی ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: مراجعه روزافزون مراجعان متقاضی طلاق به مراکز مشاوره و نیز گزارش‌های دادگستری، حاکی از افزایش و رشد رابطه فرازنشویی به‌عنوان یکی از دلایل طلاق در کشور است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روابط فرازنشویی در میان زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق بود.

روش بررسی: روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاوره اداره دادگستری در مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر مشاهده‌شده و با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص، ۲۷۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌روش هدف‌مند انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه روابط فرازنشویی (گلس و رایت، ۱۹۹۲)، پرسشنامه بازنگری‌شده شیوه‌های رفتاری (فارمن و وهرن، ۱۹۹۹) و پرسشنامه بازنگری‌شده شخصیت پنج‌عاملی نتو (مک‌کری و کاستا، ۱۹۹۲) بود. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۸ و AMOS نسخه ۲۳ در سطح معناداری ۰/۰۵ صورت گرفت.

یافته‌ها: سبک‌های دلبستگی ایمن ($\beta = -0.264, p < 0.001$)، پریشان ($\beta = 0.297, p < 0.001$) و گسسته ($\beta = 0.197, p < 0.001$) و همچنین روان‌رنجوری ($\beta < 0.001, p < 0.001$) اثر مستقیم و معناداری بر روابط فرازنشویی داشتند. سبک‌های دلبستگی ایمن ($\beta = -0.359, p < 0.001$)، پریشان ($\beta = 0.331, p < 0.001$) و گسسته ($\beta < 0.001, p < 0.001$) با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی بر روابط فرازنشویی اثر غیرمستقیم و معناداری داشتند. همچنین مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی مناسب بود ($\text{RMSEA} = 0.042, \text{NFI} = 0.963, \text{GFI} = 0.993, \text{CFI} = 0.957, \chi^2/df = 2.748$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش مبنی بر نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه با روابط فرازنشویی در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز جهت طلاق، باید به ویژگی‌های شخصیتی افراد در کاهش میزان طلاق توجه داشت.

کلیدواژه‌ها: روان‌رنجوری، روابط فرازنشویی، طلاق، سبک‌های دلبستگی.

از بین عوامل مختلفی که ازدواج را تهدید می‌کند، روابط فرازنشویی به‌طور فزاینده‌ای مدنظر محققان قرار گرفته است. روابط فرازنشویی عامل مهم‌تر جدایی در ۱۶۰ فرهنگ مختلف شناسایی شده است (۱). رابطه فرازنشویی، رخدادی شایع در ازدواج‌ها است و شیوع روابط فرازنشویی در ایالات متحده آمریکا برای زنان بین ۲۶ درصد تا ۷۰ درصد و برای مردان بین ۳۳ درصد تا ۷۵ درصد گزارش شده است (۲). روابط فرازنشویی طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود. برای برخی بی‌وفایی زنشویی داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج است؛ بقیه شامل رفتارهایی مثل سکس‌سایبری، تماشای پورنوگرافی، درجات مختلف صمیمیت جسمی و غیرجنسی و حتی صمیمیت عاطفی با فرد دیگر است که منجر به آسیب به رابطه اولیه می‌شود (۳). رابطه فرازنشویی به هر فعالیت رمانتیک یا جنسی مخفیانه گفته می‌شود و درحالی‌که فرد در رابطه‌ای کاملاً خصوصی مثل ازدواج قرار دارد، اتفاق می‌افتد (۴).

تحقیقات به بررسی عوامل و فرایندهای شناختی هیجانی مانند الگوهای دلبستگی مؤثر بر روابط زنشویی تأکید دارد (۵). تحقیقات در این زمینه بسیار اندک و محدود است؛ اما با نگاهی به ماهیت روابط عاشقانه درمی‌یابیم اساس آن برگرفته از دلبستگی افراد است که در همه وجود دارد (۶). هر انسانی برای رسیدن به کمال و بالیدن نیاز به برقراری ارتباط عاطفی با دیگران دارد که این مهم در آغاز با والدین و در بزرگسالی با یک همسر امکان‌پذیر می‌شود (۷). سبک‌های دلبستگی از زمان خردسالی تا بزرگسالی وجود دارد. دلبستگی برای افراد قالب‌هایی را تشکیل می‌دهد که هرگونه آگاهی و دانسته‌هایی باید از آن گذر کند (۸). هرگونه تغییری در نظام دلبستگی توسط مدل فعال‌ساز درونی صورت می‌گیرد. نحوه دلبستگی فرد در ارتباط با همسرش به دلبستگی او با والدینش در کودکی شبیه است. شاخص ارتباط توأم با دلبستگی، رسیدن به امنیت و تمایلات جنسی است؛ به‌گونه‌ای که فرد مقابل احساس نگرانی نکند (۹).

عشق، صمیمیت و رابطه جنسی جنبه‌های درهم‌تنیده روابط نزدیک هستند که هرکدام می‌تواند باتوجه به صفات شخصیتی تحت تأثیر قرار گیرد (۱۰). روان‌رنجوری یا روان‌نژندی یکی از صفات شخصیتی است که با ترس، اضطراب، بدخلقی، یأس، خصومت و احساس تنهایی شناخته می‌شود (۱۱). ویژگی‌های شخصیتی نیز شامل آن نوع خصوصیات روانی می‌شود که بسیاری از محرک‌ها و پاسخ‌ها را شبیه به هم می‌کند، ترجیح افراد را تعیین می‌کند و قضاوت و طیف پاسخ‌های رفتاری افراد را در شرایط پر فشار روانی توضیح می‌دهد (۱۲).

زوج‌ها در طی زندگی خود با تعارضات علاقه‌مندی و اغوای گزینه‌های دیگر مواجه می‌شوند که نیاز است دربرابر این تکانه‌های مخرب مقاومت نشان دهند. در چنین شرایطی برای رفتارکردن به شیوه‌ای سازنده، نیاز است که فرد انگیزش و نیز توانایی یک شریک ارتباطی خوب بودن را داشته باشد. تحقیقات اخیر نشان داده‌اند، این عامل یعنی توانایی کنترل، در حیطه نگرش‌های منفی و ویژگی‌های شخصیتی مثبت

مانند مسئولیت و وظیفه‌مداری قرار دارد (۴)؛ به‌عنوان مثال، هنگام برخورد با گزینه‌های جایگزین جذاب، افرادی با خودکنترلی بیشتر، دشواری کمتری در وفادارماندن گزارش می‌کنند و رفتارهای دلربایی (عشوهرگری) کمتری به‌سمت گزینه‌های دیگر نشان می‌دهند؛ همچنین علاقه کمتری به قرار ملاقات گذاشتن با دیگران جذاب ابراز می‌کنند (۱). از آنجاکه روان‌رنجوری به‌تنهایی و به‌صورت مستقیم بر روابط فرازنشویی تأثیر دارد و سایر متغیرها از طریق روان‌رنجوری بر روابط فرازنشویی اثر می‌گذارند، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روابط فرازنشویی در میان زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق با استفاده از مدل‌یابی روابط بین متغیرها بود.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاوره اداره دادگستری در مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ شهر تهران در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. در زمینه برآورد بهینه برای مطالعات مربوط به مدل‌یابی معادله ساختاری نظرات متفاوتی وجود دارد؛ از جمله کلاین (۱۳) و لوهلین (۱۴) معتقدند حجم نمونه کمتر از ۱۰۰ نامناسب و حجم‌های بیشتر از ۲۰۰ مطلوب است. برای سازگاری با الگوی معادلات ساختاری تعداد نمونه باید حداقل ۱۵ برابر متغیرهای مشاهده‌شده باشد (۱۵). در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه با توجه به تعداد متغیرهای مشاهده‌شده و تخصیص ضریب ۲۰ برای هر متغیر مشاهده‌شده در مدل (۱) و نیز با احتساب احتمال وجود پرسشنامه‌های ناقص، ۲۷۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه به‌روش هدف‌مند (باتوجه به ملاک مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاوره اداره دادگستری) انتخاب شدند. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش شامل جنسیت زن، مراجعه به مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ شهر تهران، مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاوره، متأهل، اعلام آمادگی به‌منظور همکاری در پژوهش و نداشتن مشکل جسمانی و روان‌شناختی طبق گفته افراد شرکت‌کننده بود. معیارهای خروج شرکت‌کنندگان از پژوهش شامل تکمیل ناقص پرسشنامه‌ها بود. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه می‌ماند و امکان خروج از مطالعه در هنگام تمایل فرد و رضایت آن‌ها وجود داشت.

در این پژوهش از ابزارهای زیر استفاده شد.
- پرسشنامه روابط فرازنشویی^۲: این پرسشنامه که توسط گلس و رایت در سال ۱۹۹۲ ساخته شد، دلیل‌تراشی‌های متداول افراد را برای درگیرشدن در روابط فرازنشویی می‌سنجد (۱۶). این پرسشنامه دارای ۱۷ گویه و ۴ زیرمقیاس توجیه عاطفی، توجیه عشقی، توجیه جنسی و انگیزه‌های بیرونی است. نمره‌گذاری آن براساس طیف ۴ قسمتی لیکرت است. به گزینه‌های «اصلاً قابل توجیه نیست»، «قابل توجیه نیست»، «تا حدی قابل توجیه است» و «کاملاً قابل توجیه است» به ترتیب نمره

۲. Extramarital Relationships Questionnaire

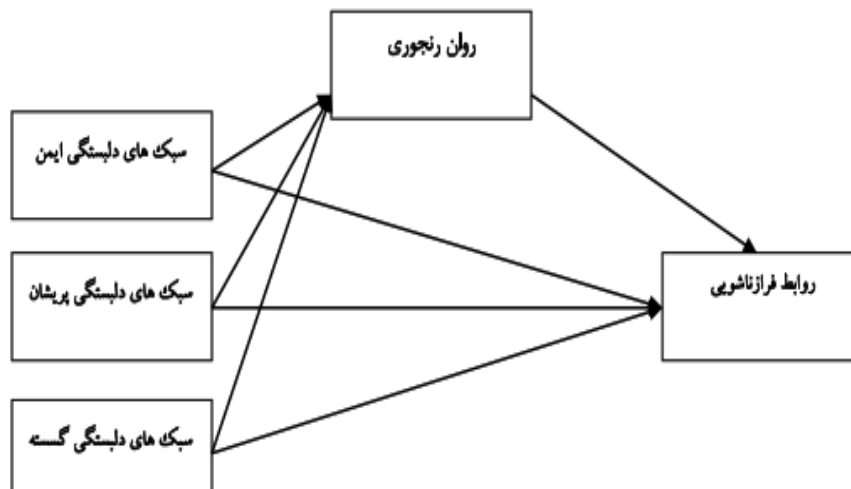
۱. Neuroticism

۴ تا ۱ تعلق می‌گیرد. نمرات مقیاس‌ها از ۴ تا ۲۰ به دست می‌آید که نمرات کمتر در هر خرده‌مقیاس بیانگر میزان تأیید بیشتر پاسخ‌دهنده است (۱۶). برای بررسی روایی سازه این مقیاس در نسخه اصلی، همبستگی معناداری بین روابط فرازناشویی و گزارش‌های مبنی بر درگیری‌های عاطفی و جنسی فرازناشویی در مردان ($r=0/55$) و ($p<0/001$) و در زنان ($r=0/52$) به دست آمد. پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ $0/91$ گزارش شد (۱۶). در مطالعه شریفی و همکاران، ضریب آلفای کرونباخ کل برای این پرسشنامه $0/94$ به دست آمد و روایی آن نیز تأیید شد (۱۷).

پرسشنامه بازنگری‌شده شیوه‌های رفتاری: پرسشنامه شیوه‌های رفتاری توسط فارمن و وهنر در سال ۱۹۹۶ ساخته شد و سپس آن‌ها در سال ۱۹۹۹ در برخی خرده‌مقیاس‌ها بازنگری کردند (۱۸). این پرسشنامه که برای ارزیابی سبک‌های دلبستگی عاشقانه به‌کار می‌رود، دارای ۲۲ ماده است. این پرسشنامه میزان موافقت آزمودنی‌ها را با مجموعه‌هایی از حالت‌ها درباره اینکه افراد چه سبک دلبستگی را ممکن است در روابط عاشقانه خود به‌کار بگیرند، نشان می‌دهد. پرسشنامه سه خرده‌مقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی پریشان و خرده‌مقیاس دلبستگی گسسته دارد که براساس طیف ۷ درجه‌ای لیکرت شامل خیلی کم (۱)، کم (۲)، کم تا متوسط (۳)، متوسط (۴)، متوسط تا زیاد (۵)، زیاد (۶) و خیلی زیاد (۷) تنظیم شده است. در این پرسشنامه کمترین نمره ۲۲ و بیشترین نمره ۱۵۴ است (۱۸). در پژوهش فارمن و وهنر، آلفای کرونباخ نسخه بازنگری‌شده پرسشنامه $0/85$ گزارش شد و روایی آن نیز به تأیید رسید (۱۸). امان‌الهی و همکاران روایی پرسشنامه را بررسی و تأیید کردند؛ همچنین برای بررسی پایایی این پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده کردند که برای سبک دلبستگی ایمن $0/64$ ، سبک دلبستگی پریشان $0/54$ و سبک دلبستگی گسسته $0/78$ به دست آمد (۱۹). در مطالعه حاضر نیز

از نسخه بازنگری‌شده پرسشنامه استفاده شد.

پرسشنامه بازنگری‌شده شخصیت پنج‌عاملی نئو: مک‌کری و کاستا پرسشنامه‌ای را در سال ۱۹۸۵ با عنوان اختصاری (NEO) به معنای پرسشنامه روان‌رنجوری-برون‌گرایی-گشودگی، برای اولین بار با ۱۸۱ سؤال تدوین کردند. در ادامه این دو پژوهشگر با بررسی‌هایی که در سال ۱۹۹۲ انجام دادند، توانستند دو پرسشنامه با تعداد سؤالات ۲۴۰ و ۶۰ سؤال برای اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی افراد تهیه کنند (۲۰). این پرسشنامه بازنگری‌شده با ۶۰ سؤال که در این مطالعه نیز به‌کار رفت، ۵ ویژگی از ویژگی‌های شخصیتی افراد را می‌سنجد که این ویژگی‌ها عبارت است از: روان‌رنجورخویی؛ برون‌گرایی؛ بازبودن به تجربه؛ توافق؛ وجدانی‌بودن. هرکدام از این ویژگی‌ها در این آزمون با ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود. شیوه پاسخ‌دهی به این پرسشنامه به این صورت است که آزمودنی جواب را در طیفی ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت (کاملاً مخالفم (۱)، مخالفم (۲)، نظری ندارم (۳)، موافقم (۴) و کاملاً موافقم (۵)) انتخاب می‌کند (۲۰). در نسخه اصلی ارائه‌شده در سال ۱۹۸۵، پایایی مقیاس‌های روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، بازبودن به تجربه، توافق و وجدانی‌بودن به روش آلفای کرونباخ به ترتیب $0/83$ ، $0/83$ ، $0/83$ ، $0/76$ و $0/86$ گزارش شد (به نقل از ۲۱). در هنجاریابی این پرسشنامه که توسط علوی و همکاران روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تبریز، شیراز و دانشگاه‌های علوم پزشکی این دو شهر صورت گرفت، ضریب همبستگی ۵ بعد اصلی بین $0/56$ تا $0/87$ گزارش شد. ضرایب آلفای کرونباخ در هریک از عوامل اصلی روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، بازبودن به تجربه، توافق و وجدانی‌بودن به ترتیب $0/86$ ، $0/73$ ، $0/56$ ، $0/68$ و $0/87$ به دست آمد (۲۲). در این پژوهش متغیر روان‌رنجوری با استفاده از این پرسشنامه بازنگری‌شده ارزیابی شد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

2. NEO Five-Factor Inventory-Revised (NEO-FFI)

1. Behavioral Systems Questionnaire- Revised

۳ یافته‌ها

در این پژوهش، از کل نمونه‌ها ۱۶۸ نفر زن و ۱۰۲ مرد بودند. میانگین سنی زنان $34/84 \pm 0/628$ سال و مردان $36/27 \pm 0/771$ به دست آمد و حداقل ۵ سال از زمان ازدواج آن‌ها گذشته بود. در زنان ۳۷/۵ درصد آنان یعنی تعداد ۶۳ نفر مدرک دیپلم و کمتر، حدود ۵۲ درصد یعنی ۸۷ نفر مدرک کارشناسی و حدود ۱۰/۵ درصد یعنی ۱۸ نفر مدرک کارشناسی ارشد و بیشتر داشتند. در مردان حدود ۵۲ درصد یعنی تعداد ۵۳ نفر دارای مدرک دیپلم و کمتر، حدود ۳۷ درصد یعنی ۳۸ نفر دارای مدرک کارشناسی و حدود ۱۱ درصد یعنی ۱۱ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و بیشتر بودند. در ابتدا پیش‌فرض‌های آماری با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف بررسی شد و نرمالیتی داده‌ها به تأیید رسید ($p > 0/05$). همچنین مدل اندازه‌گیری سه متغیر پژوهش تأیید شد. در این پژوهش ضریب همبستگی پیرسون نیز به کار رفت. به علاوه مدل اندازه‌گیری سه متغیر پژوهش با استفاده از شاخص‌های برازش داده‌ها، برآورد مستقیم با روش حداکثرنمایی و برآورد غیرمستقیم با روش بوت‌استرپ تأیید شد.

همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده شده است، انواع سبک‌های دل‌بستگی در فرضیه این مطالعه به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند و روابط ساختاری آن‌ها با در نظر گرفتن نقش متغیر روان‌رنجوری به‌عنوان متغیر میانجی بر متغیر وابسته روابط فرازناشویی آزمون می‌شود. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده در آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار استفاده شد؛ همچنین در آمار استنباطی از آزمون کشیدگی و چولگی، جعبه‌ای، آزمون کولموگروف اسمیرنوف، آزمون همبستگی، شاخص‌های برازش، آزمون حداکثر درست‌نمایی و آزمون بوت‌استرپ و نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۱۸ و AMOS نسخه ۲۳، در سطح معناداری ۰/۰۵ با ضریب اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد. در سنجش برازش مدل حداقل معیار پذیرفتنی شاخص RMSEA کمتر از ۰/۱، مقدار کای دو به درجه آزادی کمتر از ۳ و میزان شاخص‌های GFI، CFI و NFI بزرگ‌تر از ۰/۹ است (۲۳).

جدول ۱. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه و روان‌رنجوری با روابط فرازناشویی

متغیر	ایمن	پریشان	گسسته	روان‌رنجورخویی	عشقی	جنسی	عاطفی	انگیزه‌های بیرونی	روابط فرازناشویی
ایمن	۱								
پریشان	-۰/۳۲	۱							
گسسته	-۰/۳۷	۰/۴۳	۱						
روان‌رنجورخویی	۰/۲۵	۰/۳۳	۰/۱۹	۱					
عشقی	-۰/۱۷	۰/۱۶	۰/۲۱	-۰/۳۰	۱				
جنسی	-۰/۲۱	۰/۲۶	۰/۱۵	-۰/۲۷	۰/۶۶	۱			
عاطفی	-۰/۲۰	-۰/۲۰	۰/۲۰	-۰/۲۶	۰/۴۸	۰/۵۹	۱		
انگیزه‌های بیرونی	-۰/۲۶	۰/۱۷	۰/۲۷	-۰/۱۵	۰/۶۰	۰/۵۰	۰/۵۶	۱	
روابط فرازناشویی	-۰/۲۹	۰/۲۷	۰/۲۸	-۰/۳۱	۰/۶۹	۰/۷۵	۰/۷۰	۰/۶۶	۱

باتوجه به نتایج مندرج در جدول ۱، همبستگی معناداری بین متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی عاشقانه و روان‌رنجورخویی با روابط فرازناشویی وجود دارد.

جدول ۲. شاخص‌های برازش حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها و متغیرها

صورت اختصاری	نام شاخص	مقدار به دست آمده
χ^2/df	کای اسکوتر نسبی	۲/۷۴۸
RMSEA	ریشه میانگین توان دوم خطای تقریب	۰/۰۴۲
GFI	شاخص برازندگی تعدیل یافته	۰/۹۹۳
NFI	شاخص برازش نرم	۰/۹۶۳
CFI	شاخص برازش مقایسه‌ای	۰/۹۵۷

آزادی (۲/۷۴۸) بین ۱ و ۳ و میزان شاخص‌های GFI، CFI و NFI تقریباً برابر و بزرگ‌تر از ۰/۹ است؛ این مطلب نشان می‌دهد مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، مدلی مناسب است.

باتوجه به جدول ۲ مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۲ است؛ لذا این مقدار کمتر از ۰/۱ است که نشان می‌دهد میانگین مجذور خطاهای مدل، مناسب و مدل پذیرفتنی است. همچنین مقدار کای دو به درجه

جدول ۳. برآورد مستقیم مدل با روش حداکثر درست‌نمایی^۱ (ML)

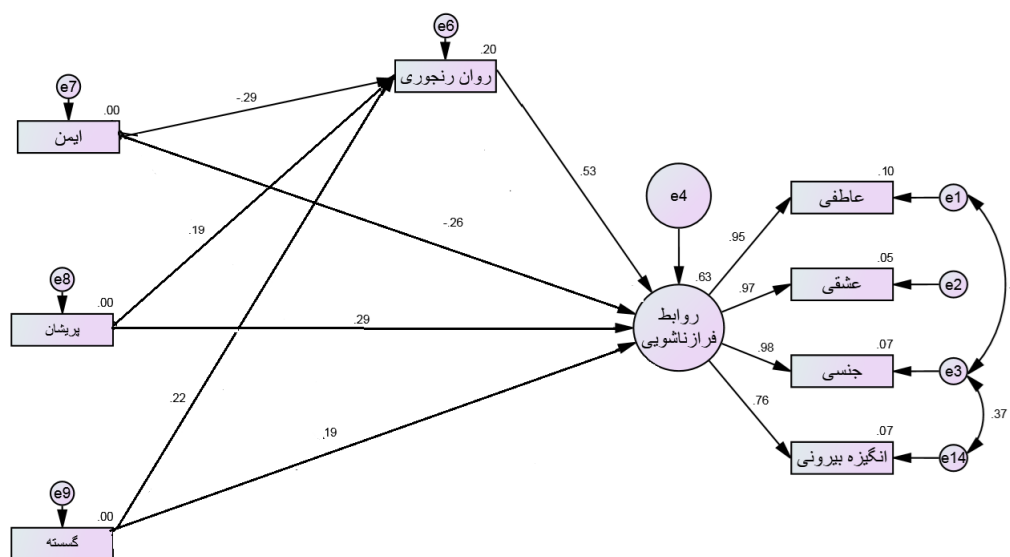
متغیر	میزان اثر استاندارد نشده	میزان اثر استاندارد شده	ضریب تعیین (R ²)	مقدار احتمال
ایمن بر روابط فرازنشویی	-۰/۵۶۰	-۰/۲۶۴	۰/۱۴۷	<۰/۰۰۱
پریشان بر روابط فرازنشویی	۰/۳۸۰	۰/۲۹۷	۰/۱۱۲	<۰/۰۰۱
گسسته بر روابط فرازنشویی	۰/۴۴۱	۰/۱۹۷	۰/۰۸۶	<۰/۰۰۱
روان‌رنجوری بر روابط فرازنشویی	۰/۲۱۹	۰/۱۸۷	۰/۰۴۰	<۰/۰۰۱

باتوجه به جدول ۳ مسیرهای سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روان‌رنجوری اثر مستقیم و معناداری بر روابط فرازنشویی دارند.

جدول ۴. برآورد غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت‌استرپ

متغیر	β	حد کمتر	حد بیشتر	مقدار احتمال
ایمن بر روابط فرازنشویی با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی	-۰/۳۵۹	-۰/۲۴۱	-۰/۴۸۹	<۰/۰۰۱
پریشان بر روابط فرازنشویی با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی	۰/۳۳۱	۰/۲۰۸	۰/۴۴۳	<۰/۰۰۱
گسسته بر روابط فرازنشویی با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی	۰/۲۷۰	۰/۱۸۷	۰/۳۸۸	<۰/۰۰۱

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، از مسیر غیرمستقیم در نظر گرفته شده باتوجه به مقادیر استاندارد شده (β) به دست آمده، مسیر سبک‌های دلبستگی عاشقانه با میانجی‌گری روان‌رنجورخویی بر روابط



شکل ۲. مدل نهایی آزمون شده به همراه آماره‌های پیش‌بینی استاندارد شده

مطابق با شکل ۲، مشخص می‌شود که ۰/۶۳۱ از پراکندگی متغیر روابط فرازنشویی در مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روان‌رنجورخویی است.

مراجعه‌کننده جهت طلاق بود. باتوجه به نتایج تحلیل انجام شده، سبک‌های دلبستگی عاشقانه بر روابط فرازنشویی با میانجی ویژگی شخصیتی روان‌رنجورخویی در زوجین مراجعه‌کننده برای طلاق اثر غیرمستقیم دارد. نتایج مذکور در جهت روابط این متغیرها با یافته‌های پژوهش هی و تسنگ (۴) و پژوهش علوی و همکاران (۲۲) همسوست. هی و تسنگ دریافتند الگوهای ارتباطی ناکارآمد و

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی روان‌رنجوری در رابطه سبک‌های دلبستگی عاشقانه و روابط فرازنشویی در میان زوجین

¹. Maximum likelihood (ML)

نگرش‌های جنسی سوگیرانه در بین زوجین منجر به گرایش به روابط فرازناشویی با میانجی‌گری سبک‌های دلبستگی اجتنابی می‌شود (۴). علوی و همکاران در پژوهش خود نشان دادند که ابعاد شخصیتی ناسازگار با گرایش به روابط فرازناشویی و خیانت رابطه دارد و در این میان نقش مؤثر تجربه روابط مثبت می‌تواند به عنوان یک میانجی‌گر اساسی در نظر گرفته شود (۲۲).

در تبیین یافته پژوهش حاضر می‌توان گفت، یکی از نیروهای محوری در روابط عاشقانه احساس تعهد است. تعهد بیانگر دلبستگی روانی و تمایل به ادامه رابطه است. رضایت، کیفیت تنوع‌طلبی و سرمایه‌گذاری از عناصر اثرگذار در هر رابطه است. افراد روان‌رنجور و اشخاص دارای سبک دلبستگی اجتنابی، دارای ثبات احساسی کمتری هستند، به روابط کوتاه‌مدت‌تر می‌پردازند و میزان رضایت و تعهد آن‌ها عموماً کمتر است که در نهایت منجر به روابط فرازناشویی می‌شود. سبک دلبستگی ضمن اینکه زباید ارتباطات است، ارتباطات را نیز شکل داده و هدایت می‌کند (۷). افراد روان‌رنجور در زندگی زناشویی از همسر خود نارضایتی دارند و این نارضایتی انگیزه‌ای برای مشروعیت در گرایش به روابط فرازناشویی می‌شود (۱۲). ترس از صمیمیت، بدبینی به عشق و روابط عاشقانه، فاصله‌گیری هیجانی، اجتناب از رویارویی عاطفی، تمرکز بیشتر بر موضوعات شغلی و فعالیت‌های غیراجتماعی از ویژگی افراد با سبک دلبستگی اجتنابی است. این افراد به دلیل نیاز به حفظ فاصله هیجانی و نداشتن وابستگی، ناچیزانگاشتن ارزش شریک عشقی و داشتن نگرش‌های خودخواهانه و ابزاری به رابطه جنسی، آمادگی بیشتری برای خیانت زناشویی دارند. نیاز به استقلال می‌تواند توجیهی برای رفتارهای فرازناشویی در افراد دارای دلبستگی اجتنابی باشد (۱۶). براساس نتایج تحقیق جینفریو و همکاران، عوامل شخصیتی به‌ویژه عامل روان‌رنجوری در مقایسه با عوامل اجتماعی بر رضایت زناشویی تأثیر عمیق‌تری دارد و هر فرد تاریخچه شخصی و روان‌شناختی منحصر به فردی را در موقعیت زناشویی وارد می‌کند. این تاریخچه الگوهای آموخته‌شده فرد، می‌تواند رضایت زناشویی را کاهش دهد و زمینه را برای ورود به روابط فرازناشویی فراهم کند (۵). نتایج این پژوهش با تحقیق شریفی و همکاران (۱۷) نیز همسوست. براساس تحقیق آن‌ها، افراد روان‌رنجور کمتر در روابط خود احساس خشنودی و رضایت دارند و احساس ناامنی می‌کنند و احتمال بیشتری وجود دارد که به صورت تکانشی رفتار کنند. چنین افرادی به احتمال بیشتری گرایش به روابط فرازناشویی دارند. مشروعیت در خیانت شامل بودن در رابطه عاشقانه‌ای است که همسر فرد همراهی و صمیمیت نشان نمی‌دهد یا بی‌تفاوت است. با این تفکر که رابطه فعلی با همسر اشتباه است و ندیدن آینده‌ای برای این رابطه، مشروعیت در خیانت برای زنان علت معقول‌تری است و این مطلب با دیدگاه تکاملی باس^۱ ارائه‌شده در سال ۱۹۹۵، مطابقت دارد (۲۴). براساس این دیدگاه، سازوکارهای روانی تکامل‌یافته برحسب درون‌داد، به‌عنوان قواعد تصمیم‌گیری و برونداد معینی که از آن‌ها حاصل می‌شود، شناخته می‌شوند. این نظریه بیان می‌کند که مردان و زنان با فریب‌های متفاوتی در روابط بین‌جنسی خود

دست‌وپنجه نرم می‌کنند. زنان به‌عنوان افراد احساسی در برابر خیانت عاطفی آشفتگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. از سوی دیگر، مردان در برابر خیانت جنسی و دروغ، آشفتگی زیادی را تجربه می‌کنند (۲۵). همچنین مشروعیت خیانت در زنان به این دلیل است که آن‌ها به دنبال تعهد بیشتری در یک رابطه هستند (۲۶).

این پژوهش با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود؛ از جمله محدود کردن پژوهش به زوجین مراجعه‌کننده جهت طلاق به مراکز مشاوره اداره دادگستری در مناطق ۱، ۲، ۳، ۴ شهر تهران، محدود بودن به زمان اجرای پژوهش در سال ۱۳۹۸ و استفاده از پرسشنامه خودگزارش‌دهی. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حیطه در حوزه‌های گسترده‌تر و با نمونه‌هایی از جوامع مختلف و بزرگ‌تر انجام پذیرد تا نتایج، قابلیت تعمیم بیشتری داشته باشد. همچنین توجه به توان پیش‌بینی روابط فرازناشویی توسط متغیر صفت شخصیتی روان‌رنجوری توصیه می‌شود که در مرحله نخست افراد دارای عقاید مثبت و گرایش به روابط فرازناشویی قبل از مشاوره ازدواج شناسایی شوند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد، بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه و صفت شخصیتی روان‌رنجوری با روابط فرازناشویی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین در زوجین مراجعه‌کننده به مراکز جهت طلاق، صفت شخصیتی روان‌رنجوری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی عاشقانه با روابط فرازناشویی نقش میانجی ایفا می‌کند؛ بنابراین باید به ویژگی‌های شخصیتی افراد در کاهش میزان طلاق توجه داشت. مشاوران و روان‌شناسان می‌توانند از نتایج این مطالعه به‌منظور کمک به زوجین در کاهش آسیب به روابط آن‌ها، کاهش خیانت، افزایش مهارت‌های زندگی و رسیدن به آرامش استفاده کنند.

۶ تشکر و قدرانی

نویسندگان از تمامی زوجین شرکت‌کننده در پژوهش بابت همکاری در این پژوهش تشکر می‌کنند.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله حاصل رساله دکتری نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری در رشته روان‌شناسی عمومی است. همچنین پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.IAU.AK.REC.1397.024 در دانشگاه واحد ساری در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۷ به ثبت رسیده است. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی در پژوهش به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان محرمانه می‌ماند و امکان خروج از مطالعه در هنگام تمایل فرد و رضایت آن‌ها وجود داشت.

رضایت برای انتشار

این امر غیر قابل اجرا است.

تراجع منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافی ندارند.

^۱. Buss

